



## همکاری حکومت اسلامی و نازیست های هیتلری!

بهرام رحمانی

[bamdadpress@ownit.nu](mailto:bamdadpress@ownit.nu)

وزارت فرهنگ و ارشاد حکومت اسلامی ایران، با به رسمیت شناختن فعالیت مجازی طرفداران «نازیسم در ایران»، به وبسایت «انجمن پژوهشی نازیسم ایران» مجوز فعالیت داده است. علاوه بر سایت های خبری نزدیک به حکومت چون «سایت تابناک» که این خبر را اعلام کرده اند، وبسایت طرفداران نازیسم در ایران نیز در معرفی خود نوشته اند: «این تارنما طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تحت نظارت کارگروه رسانه های دیجیتال وزارت فرهنگ و ارشاد جمهوری اسلامی فعالیت می کند.»

این سایت پیش از این یک بار توسط ارگان های مسئول حکومت اسلامی در ایران، فیلتر شده بود اما با گذشت مدت کوتاهی از آن رفع فیلتر شده است.

محمدعلی رامین، معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که به سایت طرفداران نازیسم و آدولف هیتلر در ایران مجوز فعالیت داده، خود دارای گرایشات مشخص نازیستی است. در کارنامه فعالیت های سیاسی رامین، همکاری با جریانات نئونازی آلمان در مدت اقامت دانش جویی اش در این کشور و پس از آن به چشم می خورد.

رامین، دبیرکل بنیادی به نام «بنیاد جهانی هولوکاست» است و نقش اصلی را در جهت دهی و ارائه مشاوره به محمود احمدی نژاد برای نفی هولوکاست ایفا می کند.

هولوکاست، به مجموعه اتفاقاتی گفته می شود که طی آن میلیون ها نفر از یهودیان در جریان جنگ جهانی دوم توسط ارتش آلمان نازی، به صورت دسته جمعی، قتل عام یا در کوره های آدم سوزی سوزانده شدند. البته آلمان نازی نه تنها یهودیان، بلکه کمونیست ها، رهبران کارگری، هم جنس گرایان، کولی ها و... را نیز قتل عام کرد و یا در کوره های آدم سوزی زنده زنده سوزاند.

در مطلبی که ماه گذشته، تحت عنوان «نخبگان جامعه، اساتید دانشگاه ها و هنرمندان از اهداف جنگ نرم هستند؟!»، در «نشریه شماره ۱۰ بانگ، نشریه کانون نویسندگان ایران در تبعید»، در مورد رامین چنین نوشته بودم:

«محمدعلی رامین، معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، چندی پیش در یک برنامه زنده رادیویی، از پرسش مجری برنامه عصبانی شد و در پاسخ به پرسش گوینده رادیو گفت: «قبل از این که من جواب سلام شما را بدهم ... شما غلط می کنید از قول من این اراجیف را بگویید.»

در یکی از سایت های اینترنتی خواندم که محمدعلی رامین، به جرم ارتباط با نئونازی های آلمان، از این کشور اخراج شد و تحصیلاتش نیمه تمام ماند. او بعد از اخراج از آلمان، به دلیل آشنائی و ارتباطی که از قبل با تیم احمدی نژاد داشت، فوراً در کنار او قرار گرفت و پس از رییس جمهور شدن احمدی نژاد، طراح انکار هولوکاست شد و یک همایش بین المللی هم برای همین منظور در تهران ترتیب داد. شایع است که او مبتکر تشکیل یک گروه ضربت متشکل از اوپاش دست چین شده در اطراف احمدی نژاد می باشد که برخی از آن ها، در گارد محافظین پرشمار احمدی نژاد نیز حضور دارند. سبک سازمان دهی این گروه و وسائلی که از آن استفاده می کنند، کپی برداری از لباس قهوه ای های نازی در سال های سلطه فاشیسم بر آلمان است.

رامین، پس از مدتی که در حاشیه دولت، کارهای تبلیغاتی متن دولت را هدایت می کرد، در کابینه پس از ۲۲ خرداد ۸۸، معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد اسلامی شد. این پست را عیسی سحرخیز در دولت خاتمی داشت و اکنون در زندان است. بنابراین، حتا زبان و بیان سران حکومت اسلامی، نفرت پراکنی و خصمانه است.»

سایت تابناک، سایت نزدیک به محسن رضایی، فرمانده سابق سپاه پاسداران و از کاندیداهای ریاست جمهوری دوره گذشته، پنجشنبه ۲۸ آبان ۱۳۸۹ - ۱۸ نوامبر ۲۰۱۰، نوشت، مدتی است که انجمن نازیسم ایران و هواداران آدولف هیتلر اعلام موجودیت کرده است و جالب تر آن که در تابلو اعلانات سایت هم زدند: «این تارنما طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تحت نظارت کارگروه رسانه های دیجیتال وزارت فرهنگ و ارشاد جمهوری اسلامی فعالیت می کند!»

سایت مذکور که انجمنی نیز برای هواداران خود به راه انداخته است در تابلو اعلانات خود اعلام کرده است: «این تارنما کاملاً پژوهشی، علمی و تاریخی است!»

تباناک می افزاید: «نکته جالب این جاست که این سایت افراطی که فقط به گسترش تفکرات فاشیستی هیتلر می پردازد، یک بار فیلتر شده و مجدداً رفع فیلتر شده است و این بدان معناست که فعالیت این فرقه افراطی مورد تایید مسئولان قرار گرفته است؟!»

بر اساس آمارهای ارائه شده در این تارنما کاربران انجمن ۲,۳۲۲ پست در ۳۲۰ موضوع ارسال کرده اند و انجمن مذکور دارای ۲۹۳ کاربر ثبت نام کرده می باشد.

در این سایت، بخش هایی با عناوین «تالار رایش سوم»، «تالار جنگ جهانی دوم»، «ایدئولوژی و اصول و عقاید نازیسم»، «مباحث پیرامون شخصیت، افکار و سخنان پیشوا آدولف هیتلر» و... به چشم می خورد. در این انجمن ها به ترویج عقاید آدولف هیتلر و پیروانش پرداخته شده است و تلاش شده تا کاربران را به سمت نازیسم و گرایشات آن سوق دهد. جالب تر آن که عنوان یکی از مطالب به روز شده این سایت «صعود روز افزون انجمن، تریک به همه!» است که شاید باید بیش ترین تریک را در این زمینه به مسئولان رصد سایت های ایرانی گفت. در بیانیه ستاد کل نازیسم ایران! که در این سایت منتشر شده نیز آمده است:

«پاری خدا و روح پیشوا آدولف هیتلر همیشه با ما خواهد بود.

ما همه سربازان نازیسم هستیم و مسئولین این ستاد مستثنا از این قاعده نخواهند بود.

تمام مسئولین باید زیر نظر مدیریت کل با تمام توان وظایف خود را انجام دهند.

تمام مسئولین موظف هستند تمام فعالیت های خود را هر ۲۰ روز به مدیریت گزارش دهند.

تمام مسئولین باید وظایف موظفه را با حداکثر توان خویش انجام دهند در غیر این صورت استیضاح خواهند شد.» نکته قابل توجه این جاست که این انجمن نه تنها به کار پژوهش و امورات تاریخی نمی پردازد بلکه کاملاً در مسیر ترویج تفکر و فرهنگ نازیسم فعالیت کرده و به نوعی در حال شستشوی مغزی کاربران با عقاید افراطی و نژادپرستی نازیسم و هیتلر می باشد.

در آخرین اطلاعیه انجمن آمده است:

«با درود به تمامی اعضای وفادار و شکیبای انجمن

دوستان همان طور که کاملاً خردار هستین سایت انجمن نازیسم ایران حدود یک ماه دچار مشکل بوده و مسدود و فیلتر بوده که امروز به لطف خداوند و شکیبایی شما عزیزان مشکل حل شده و سایت به روال عادی و پیشروی خود بازگشته.

انجمن در تاریخ اول شهریور ماه رسماً شروع به کار کرد و در اوج پیشرفت و افزایش فزونی تعداد اعضا و در عین ناباوری در روز ۱۷ شهریور فیلتر شد.

از آن جا که با کنترل خوب مدیران و کمک های اعضا هیچ گونه مورد سیاسی و یا مذهبی در سایت موجود نبود لذا گمان بردیم که سایت اشتباهها دچار این مشکل شده و با عزم جزم شده قصد کردیم که تا پای شکایت از سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی هم پیش برویم و از هیچ کار و راهی به خاطر گرفتن این حق خود فروگذار نباشیم. منتها در اواسط پیگیری ها و شکایات ما مواجه با موردی بسیار مهم شدیم آن که انجمن نه به اشتباهها و نه به خاطر مباحث سیاسی مذهبی فیلتر شده بلکه تنها و تنها به خاطر توهین به اقلیت های مذهبی یعنی یهودیان بوده. همان طور که می دانید بندی از جرائم اینترنتی مربوط به توهین و تفرقه اندازی بین اقلیت های مذهبی می باشد. و از آن جا هم که یهودیان همواره و همواره از نفوذ و قدرت شون همه جا به نفع شون استفاده می کنند ما هم مستثنی نبودیم و تنها بعد از ۱۷ روز هدف این موجودات گشتیم و به خاطر شکایت شخصی یهودیان با این مشکل مواجه شدیم.

و دوستان نکته دیگه که خیلی می تونه کمک بکنه اینه که در صورت گفتن موردهایی مشابه و تند به یهودیان، از واژه یهود کم تر استفاده بکنید و بیش تر از صهیونیست استفاده کنید. از همکاری یکایک دوستان متشکریم که برای پیشرفت انجمن خودشان تلاش و مبارزه می کنند.

با آرزوی موفقیت برای یکایک اعضا و انجمن و اثبات این که نازیسم بیدی نیست که با این بادها بلرزد و هر بار که ضربه ای بخورد با عزمی راسخ تر آن را پاسخ می دهد پس از این رو وظیفه همه مان نسبت به قبل دو چندان شده و باید پرچم بزرگ نازیسم ایران رو با سرعت و قدرت بالاتری به پیش برد که دشمنان به زانو در آمده اند. با امید به پیروزی نهایی

دوست شما و سرباز همیشگی نازیسم بهروز ادمین انجمن نازیسم ایران»

لوگوی سایت نازیسم هم در نوع خود قابل توجه است و با تصویر هیتلر، آرم نازیسم، رژه نازی ها و نام «انجمن پژوهش نازیسم ایران» بر روی آن طراحی شده است. این لوگو، ضمیمه این مطلب است.

یک سایت حکومتی به نام «بی باک»، چهارشنبه ۲۱ مهر ۱۳۸۹، نوشت: «جناب آقای محمدعلی رامین معاون محترم مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از امروز چهارشنبه به مدت یک هفته میهمان ویژه «بی باک» جهت پاسخ گویی صریح و شفاف به سئوالات و ابهامات اهالی رسانه و کاربران محترم می باشند.»

این سایت از جمله در معرفی رامین نوشت: «در دانشگاه کلاوستال آلمان، در رشته مهندسی روش های صنعتی، تحصیل می کرده که ناتمام مانده است؛ او، با سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت امور خارجه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران در آلمان (۱۳۷۲-۱۳۵۷) همکاری داشته؛ معاون فرهنگی موسسه رسانه های تصویری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۳ و هم چنین صاحب امتیاز و مدیر مسئول ماهنامه «امامت» در سال ۱۳۷۷ بود. رامین، عضو ستاد دهه فجر انقلاب اسلامی و هم چنین دبیرکل «بنیاد جهانی بررسی هولوکاست» و مسئول «کمیته حقیقت یاب بین المللی» از ۱۳۸۵ است...»

بی باک از جمله از رامین سنوال می کند: شایعاتی مبنی بر همکاری شما با هواداران حزب نازی در آلمان است. نظرتون در مورد هیتلر و ایده نازی چیه؟ آیا واقعا هولوکاست را به عنوان يك واقعه تاریخی قبول ندارید یا مثل رییس جمهور معترض به انتقام آن از مردم فلسطین هستید؟

رامین، با گفتن این که «از نظر بنده، هیتلر که خود احتمالا يك یهودی زاده است، ظلم های بسیاری علیه ملل مختلف اروپایی مرتکب شده است. لیکن میراث خوران مدعی هولوکاست خودشان از حامیان هیتلر از ابتدا تا انتها بوده اند.» به این شکل رامین، از جواب دادن به این سنوال طفره می رود و در جواب سنوال دیگری می گوید:

«بنده مقابله با ارزش های اسلامی و ترویج سکولاریسم و ارزش های غربی در عرصه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را خیانت به ملت بزرگ ایران و انقلاب عظیم این ملت مسلمان می دانم. تضعیف جایگاه نائب امام زمان (عج) با هر شیوه و شگردی را خیانت به اسلام و امامان معصوم به ویژه امام زمان (عج) می دانم و در حدود اختیارات خود، گردن کشی در برابر قانون اساسی و شریعت علوی و مکتب توحیدی اسلام را از طریق رسانه ها بر وفق قانون مطبوعات مانع می شوم. البته در این زمینه، به میزانی که اعضای محترم هیات نظارت و دادستانی محترم یاری می رسانند، توفیق به دست می آید.»

س: دلیل اخراج حضرت عالی از کشور منغور آلمان چیست؟ و دلیل ممنوع ورود شدن شما به این کشور چه می باشد؟

رامین: «مسائل سیاسی که میان جمهوری اسلامی و دولت آلمان در زمان آقای هاشمی رفسنجانی پیش آمده بود، باعث زندانی شدن یا اخراج برخی از فعالان سیاسی ایرانی از آلمان شد.

در سال ۱۳۸۰ بعد از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر، زمانی که بنده در سفری به آلمان درباره «آینده جهان و نوع مدیریت الهی- انسانی جامعه بشری» با رییس دانشکده شرق شناسی آلمان آقای «پروفیسور اودو اشتاین باخ» مناظره علنی در حضور ۸۰۰ نفر مسلمان و مسیحی انجام دادم، دولت آلمان پس از آن از ادامه سخن رانی های بنده به بهانه به خطر افتادن امنیت ملی خود جلوگیری به عمل آورد. به نظر بنده طرح ولایت فقیه به عنوان یک نظریه سیاسی فراتر از گستره جهان اسلام، زمینه تحول در مدیریت جهانی را فراهم می آورد.»

احتمالا واقعه مورد اشاره رامین در دوره ریاست جمهوری رفسنجانی، ترور دادگاه میکونوس است. در این دوره، تروریست های حکومت اسلامی در رستوران میکونوس در شهر برلین، صادق شرفکندی و همراهان او را ترور کردند. احتمالا محمدعلی رامین نیز در وقایع این ترور با تیم های ترور حکومت اسلامی و هم چنین قبل از آن با تیم های ترور قاسملو و همراهان وی در اطریش که گفته می شود سردسته یکی از تیم های ترور قاسملو احمدی نژاد بود همکاری داشته و بر این اساس در دولت احمدی نژاد به پست و مقام مهمی ارتقا پیدا کرده است.

اخیرا نمایشگاه مطبوعات در تهران برگزار شد برخی از رسانه ها عکس جوانی را در کنار رامین انداخته و نوشته بودند پسر رامین در این نمایشگاه نقش حفاظت را به عهده داشت. این نمایشگاه را حتا برخی از رسانه های دولتی نیز در اعتراض به عملکردهای وزارت ارشاد و به ویژه سیاست های سخت گیرانه رامین، که مسئول برگزاری این نمایشگاه بود، تحریم کرده بودند.

هم چنین از گفتگوی رامین با سایت بی باک، چنین برمی آید که در واقع او و رحیم مشایبی و احتمالا ثمره هاشمی، اصلی ترین خط دهندگان و سیاست گذاران اصلی دولت احمدی نژاد، به ویژه در زمینه داستان سازی ظهور «امام زمان» و «رهبری جهانی» و غیره محسوب می شوند. ژوزف گوبلز، وزیر تبلیغات هیتلر همواره می گفت دروغ هر چه قدر بزرگ تر باشد همان قدر باور آن از سوی مردم راحت تر است. بنابراین، دولت احمدی نژاد که اکثریت مردم ایران را به لحاظ اقتصادی به خاک سیاه نشانده و به لحاظ سیاسی نیز حفقان خونینی در جامعه برقرار کرده است با شعار ظهور «امام زمان» و دولت «امام زمانی» و داعیه «رهبری جهان»، بزرگ ترین دروغ ها را پیش می کشند و سرکوب های خونین راه می اندازند تا بلکه مردم آزاده ایران را مرعوب فضای رعب و وحشت و ترور خود کنند. اما همگان می دانند که اکثریت مردم ایران، از کلیت این حکومت متنفرند و برای برکناری آن روزشماری می کنند؛ و دنبال فرصت های تاریخی می گردند تا کلیت حکومت اسلامی به گورستان تاریخ بفرستند.

طرفداران هیتلر که امروز با حکومت اسلامی ایران، هم سو و هم دل شده اند و در سایه این حکومت به فعالیت علنی می پردازند در بسیاری از کشورهای غربی فعالیت شان ممنوع است. چون که جنایات هیتلر و خساراتی که نازیسم بر جوامع اروپا وارد آورد بی سابقه است. حزب نازی که «حزب سوسیالیست ملی گرای آلمان» نامیده می شد، عملا پشتیبان و متحد سرمایه داران بود. چنان که به نوشته کتاب فاشیسم، در سال ۱۹۳۲ عده ای از سرمایه داران بزرگ و صاحبان کارخانجات نامه ای به هیندنبورگ رییس جمهور آلمان نوشته و به او توسعه کردند حزب نازی را در تشکیل حکومت شرکت بدهد. ضمنا در انتخابات ۱۹۳۳ سه میلیون مارک در اختیار این حزب گذارند.

بنابراین، ایدئولوژی مذهبی و ایدئولوژی فاشیستی، از جمله ایدئولوژی های عقب مانده و ارتجاعی سیستم سرمایه داری هستند که هر موقع به آن ها نیاز داشتند زیر بغل گروه های مذهبی و فاشیستی را می گیرند تا به حاکمیت صعود کنند.

هیتلر، بالاخره توانست نظر هیندنبورگ رییس جمهور آلمان را جلب کند. در ژانویه ۱۹۳۳، به ریاست حکومت تعیین گردید و کابینه خود را با همکاری حزب دست راستی آلمان تشکیل داد. در این موقع ساختمان مجلس شورای آلمان به آتش کشیده شد و هیتلر تقصیر را به گردن کمونیست ها انداخت و شروع به سرکوب و توقیف فعالین کمونیست ها کرد. گفته می شود آتش زدن مجلس آلمان به دستور خود او انجام گرفت تا بتواند به این بهانه رهبران و فعالین کمونیست ها را توقیف کند. موقع افتتاح مجلس هیچ نماینده ای از گرایشات چپ حضور نداشت. چون کمونیست ها توقیف بودند و سوسیالیست ها نیز دعوت نشده بودند.

هیتلر بعد از فوت هیندنبورگ، مقام ریاست جمهوری را نیز اشغال کرد. هیتلر با یهودی ها سخت دشمن بود و تمام اشکالات اقتصادی آلمان را به گردن آن ها می انداخت. خرید از مغازه های آن ها و معاملات با آن ها را تحریم کرد. نیروهای نازیسم مغازه ها و خانه های یهودیان را به آتش کشیدند. در نتیجه این فشارها یهودی ها شروع به خروج و فرار از آلمان کردند و در سال ۱۹۳۳ بیش از ۶۰۰۰۰ یهودی آلمان را ترک کردند. برای تشکیل «آلمان بزرگ»، هیتلر اول قشون نازی را به اطربش فرستاد و این مملکت را تسخیر کرد و بعد به چک و سلواکی حمله کرده سرزمین سورت را که قسمتی از اهالی آن آلمانی زبان می باشند ضمیمه آلمان نمود و بالاخره به بهانه های دیگر به لهستان حمله کرد.

اما بعد از شکست و اشغال فرانسه نوبت روسیه رسید چون راجع به روسیه هم هیتلر قبلا برنامه ای تهیه کرده بود.

بدین ترتیب جنگ بین الملل دوم آغاز شد. در این جنگ جنایتی نبود که نیروهای نازی مرتکب نشده باشند. هیتلر به لهستان، دانمارک، نروژ، بلژیک، فرانسه، ممالک بالکان، شمال آفریقا و بالاخره به روسیه حمله کرد. مبارزان شهرها ویرانی خانه ها سرگردانی مردم فراری از زن و بچه ادامه داشت.

تنها در محاصره لنین گراد بیش از یک میلیون نفر از مردم این شهر جان خود را از دست دادند. در موقع عقب نشینی از روسیه هیتلر دستور داده بود همه چیز را نابود کرده و آبادی باقی نگذارند. جنگ بین المللی دوم ۵۵ میلیون تلفات داشت.

اما هیچ کدام از این جنایات برای حکومت اسلامی و سران و مقامات آن، نه تنها اهمیتی ندارد، بلکه از تجارب جنایت کارانه آن ها برای پیش برد سیاست هایشان نیز بهره می گیرند. بعلاوه مه تر از همه، سران حکومت اسلامی، خودشان نیز آن چنان جنایات هولناکی در جامعه ایران آفریده اند که طبیعتا باید با نیروهای طرفدار هیتلر هم جهت شوند. اگر هیتلر اروپا را به آتش کشید حکومت اسلامی ایران را به آتش کشیده و آن را به یک اردوگاه مرگ بزرگی برای شهروندانش تبدیل کرده است. در این کشور، هیچ شهروندی احساس امنیت جانی و شغلی و اقتصادی نمی کند. در حاکمیت نمایندگان خدا در ایران، پزشک را ترور می کنند؛ نویسنده و فعال سیاسی را ترور می کنند؛ معلم و وکلای دادگستری را در سیاه چال ها نگاه می دارند؛ روزنامه نگار و ویلاگ نویس را زندانی و شکنجه می کنند؛ حتا به جشن تولدهای مردم یورش می برند و شرکت کنندگان را با ضرب و شتم وحشیانه ای زندانی می کنند؛ فعالین جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانش جویی و هر معترض و حتا منتقد را به عنوان «دشمن» دستگیر و زندانی و شکنجه و حتا اعدام می کنند؛ دانشگاه ها و مدارس را به پادگان و مراکز نظامی تبدیل کرده اند و کودکان مردم را با افکار و ایدئولوژی فاشیستی اسلامی آموزش نظامی می دهند و... بنابراین، در حکومت اسلامی، تنها رامین نیست که تفکر فاشیستی دارد، بلکه رهبران این حکومت از بنیان گذار آن خمینی گرفته تا خامنه ای و بسیاری از سران و مقامات و فرماندهان نظامی و انتظامی و امنیتی آن، تفکر غیرانسانی فاشیستی اسلامی و حتا جنون آدم کشی دارند که تفاوتی با تفکر فاشیستی ندارد. آدم کش، آدم کش است چه ایدئولوژی اسلامی داشته باشد چه ایدئولوژی فاشیستی و یا هر ایدئولوژی دیگری که حرمت و موجودیت انسان را زیر سوال می برد. این آدم کش، خواه هیتلر و موسولینی باشد و خواه خمینی و خامنه ای و احمدی نژاد غیره باشند، فرقی نمی کند همگی دشمن بشریت هستند. حتا سلسله مراتب در حکومت اسلامی و حکومت نازی شباهت های زیادی به همدیگر دارند. مثلا اختیارات تام برای رهبری و همه ارگان های تحت نظر آن و هم چنین وفاداری بی چون و چرا و مطلق مردم به رهبر و ایدئولوژی حکومت.

تبلیغات دروغین به عنوان یکی از ابزار اصلی تحکیم قدرت، سرکوب و ترور و جاسوسی علیه مخالفین در حکومت نازی و حکومت اسلامی، جایگاه ویژه ای دارند.

دکتر «ژوزف گوبلز»، وزیر تبلیغات دولت نازی آدولف هیتلر بود. او در تبلیغات به اصل یا تکنیک «دروغ بزرگ» معتقد بود. براساس این اصل، بایستی یک دروغ را آن قدر تکرار کرد که به بخشی از حقیقت بدل شود. تکنیک «گوبلز» در تبلیغات امروزه با نام «دروغ بزرگ» مشهور است. مردم آلمان، به او لقب «کوتوله بدخواه» و «دلک آخمو» داده بودند. پس از آن که آدولف هیتلر، اقدام به خودکشی کرد؛ «گوبلز» و همسرش تصمیم به انجام نقشه ای از پیش تعیین شده گرفتند و پس از کشتن هر شش فرزندشان خود، در مقابل سربازان تحت امرشان ایستادند و فرمان قتل خود را صادر کردند.

هیتلر، از طریق جنگ می خواست «آلمان بزرگ» را به وجود آورد و خمینی نیز با تاکید به ادامه جنگ ایران و عراق و با طرح شعار «راه قدس از کربلا می گذرد»، به فکر صدور «پان اسلامیسیم» برپایی «امپراطوری اسلامی» بود؛ هر دوی این حکومت ها میلیون ها انسان را در جنگ، در سرکوب های خیابانی و در زندان ها قربانی کرده اند. اگر هیتلر کوره های آدم سوزی و اردوگاه های مرگ راه انداخت و زندانیان و اسرا را از بین برد؛ حکومت اسلامی نیز زندانیان سیاسی را در اوایل انقلاب، سال های ۶۰ تا ۶۲ و به ویژه در سال ۶۷ قتل عام کرد. هنوز هم زندانیان را در زندان های حکومت اسلامی، به طور مخفیانه و دسته جمعی اعدام می کنند؛ برای نمونه، اخیرا فاش شده که در زندان مشهد، زندانیان را گروه گروه اعدام می کنند. در حاکمیت هیتلر، زنان به مرور از محیط کار اخراج و اعلام شد که: «جهان زن به خانه خلاصه می شود.» حکومت اسلامی نیز سرکوب سیستماتیک زنان را از همان نخستین روزهای قدرت گیری آغاز کرده و تاکنون نیز به آپارتاید جنسی ادامه داده است. تغییر کتاب های درسی و منطبق کردن آن ها با تفکر فاشیستی، سازمان دهی دانش آموزان در بخش نوجوانان حزب و آموزش جنگی و جاسوسی علیه شهروندان در حکومت هیتلر. در حکومت اسلامی نیز با تغییر کتاب های درسی و منطبق کردن آن ها با تفکر اسلامی، تاسیس نیروهای بسیج، آموزش جنگی کودکان و جاسوسی با هدف سرکوب جامعه. سرانجام میلیتاریسم و دست یابی به سلاح های کشتار جمعی نیز هم از اهداف مهم حکومت نازی بود و هم از اهداف مهم حکومت اسلامی ایران؛ هم طرفداران هیتلر در اروپا و هم حکومت اسلامی در ایران، سیاست های خارجی ستیزی دارند و پناهندگان و مهاجرین را عامل بی کاری و غیره معرفی می کنند؛ هم حکومت هیتلر و هم

حکومت اسلامی، هم جنس گرایان را سرکوب کرده اند؛ اگر هیتلر یهودی ها را سرکوب می کرد، حکومت اسلامی نیز همواره بهائیان را سرکوب می کند و حتا فرزندان آن ها را از دانشگاه ها و ادارات اخراج می کند و... باین ترتیب، حاکمیت فاشیسم در آلمان و حکومت اسلامی در ایران، نمونه هایی از حکومت های جانی و تروریستی جهان هستند که با کشتار و خشونت و جنگ قدرت را گرفتند و حاکمیت خود را نیز با جنون آدم کشی پیش بردند.

رفتارهای وحشیانه نیروهای فاشیستی، با رفتارهای لباس شخصی های حکومت اسلامی و پیراهن سپاه های موسولینی با شهروندان، تفاوت چندانی با هم ندارند. سپاه پاسداران هیچ تفاوتی با ارتش نازی ندارد. نیروهایی که فقط آموزش آدم کشی و جنگ و خشونت دیده اند و هنگامی که به فرمان «رهبر»، اسلحه به دست می گیرند بدون ذره ای عذاب وجدان انسانی حاضرند در یک چشم به هم زدن هزاران انسان را به دیار نیستی بفرستند.

نازیسم، خلاصه شده مکتب فکری و سیاسی «ناسیونال سوسیالیسم» است که به طور مشخص به مجموعه ایدئولوژی های حزب نازی آلمان اطلاق می شود. نازیسم در واقع صورتی از ایدئولوژی فاشیسم است که نژادپرستی هم بدان اضافه شده است.

ضدیت با هرگونه نژاد غیر آریایی و به خصوص یهودیان از مولفه های اصلی تشکیل دهنده ایدئولوژی نازیسم است. به دنبال شکست آلمان در جنگ جهانی دوم و مرگ آدولف هیتلر که رهبری حزب نازی آلمان را بر عهده داشت، فعالیت های این حزب و پیروان آن در اکثر کشورهای جهان ممنوع اعلام شد. بسیاری از کشورهای غربی و بخصوص سیاست مداران و افکار عمومی در اروپا، محمود احمدی نژاد را به علت نفی هولوکاست و ضدیت با یهودیان جزو پیروان نازیسم می دانند و در نوشته ها یا تصاویر او را به هیتلر تشبیه می کنند.

آن چه که در پایان باید تاکید کرد این مساله مهم و اساسی است که حکومت اسلامی فضایی را در ایران به وجود آورده است که در این فضا نه مردم آزادی خواه ایران و کشورهای دیگر، بلکه گروه های تروریستی اسلامی و فاشیستی جهان از آزادی عمل بیش تری برخوردار هستند و توسط حکومت اسلامی رسماً تغذیه مالی و لجستیکی و آموزشی و نظامی می شوند. بعلاوه در تاریخ حکومت های دیکتاتوری و مستبد، حتا با کشتارهای دسته جمعی مردم آزاده و مخالفین خود نیز نتوانسته اند آینده حاکمیت خود را تضمین کنند از بین رفته اند. بنابراین، حکومت ارتجاعی و تروریستی حکومت اسلامی ایران نیز دیر یا زود به سرنوشت حکومت هایی چون حکومت هیتلر، دچار شده و با قدرت و مبارزه مردم آزادی خواه از بین خواهد رفت.

سه شنبه دوم آذر ۱۳۸۹ - بیست و سوم نوامبر ۲۰۱۰